

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۷۹

آیه ۹۴ - ۹۶

آیه و ترجمه

یاایها الذین ءامنوا لیبلونکم الله بشیء من الصيد تناله ایدیکم ورماحکم لیعلم الله من یخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الم ۹۴  
یاایها الذین ءامنوا لا تقتلوا الصيد و انتم حرم و من قتله منکم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل منکم هدیا بلغ الکعبة او کفرة طعام مسکین او عدل ذلک صیاما لیذوق و بال امره عفا الله عما سلف و من عاد فینتقم الله منه و الله عزیز ذو انتقام ۹۵

احل لکم صید البحر و طعامه متعا لکم و للسیارة و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرما و اتقوا الله الذی الیه تحشرون ۹۶

ترجمه :

۹۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید خداوند شما را به مقداری شکار که (به نزدیکی شما می آیند و) دستها و نیزه های شما به آنها می رسد، می آزماید، تا معلوم شود چه کسی از خدا به وسیله ایمان به غیب می ترسد، و هر کس بعد از آن تجاوز کند مجازات دردناکی خواهد داشت .  
۹۵ - ای کسانی که ایمان آورده اید شکار را در حال احرام به قتل نرسانید و هر کس از شما عمدا آنرا به قتل برساند باید کفاره ای معادل آن از چهار پایان بدهد، کفارهای که دو نفر عادل از شما معادل بودن آنرا تصدیق کنند، و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد، یا (بجای قربانی) اطعام مستمندان کند یا معادل آن روزه بگیرد تا کیفر کار خود را بچشد، خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است و هر کس تکرار کند خداوند از او انتقام می گیرد و خداوند توانا و صاحب

تفسیر نمونه ج: ۵ صفحه: ۸۰

انتقام است.

۹۶ - صید دریا و طعام آن برای شما حلال است تا شما و مسافران از آن بهره مند شوید، ولی مادام که محرم هستید صید صحرا برای شما حرام است و از

(نافرمانی) خدائی که به سوی او محشور می شوید بترسید.

### شاء نزول

بطوریکه در کتاب کافی و بسیاری از تفاسیر نقل شده، هنگامی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان در سال حدیبیه برای عمره با حال احرام حرکت کردند، در وسط راه با حیوانات وحشی فراوانی روبرو شدند، بطوری که می توانستند آنها را با دست و نیزه ها صید کنند! این شکارها بقدری زیاد بودند که بعضی نوشته اند دوش بدوش مرکبها و از نزدیک خیمه ها رفت و آمد می کردند، نخستین آیات فوق در این هنگام نازل شد و مسلمانان را از صید آنها بر حذر داشت، و به آنها اخطار کرد که این یک نوع امتحان برای آنها محسوب می شود.

### تفسیر:

#### احکام صید در حال احرام

این آیات ناظر به یکی از احکام عمره و حج یعنی مساله شکار حیوانات صحرائی و دریائی در حال احرام می باشد. نخست اشاره به جریانی که مسلمانان در سال حدیبیه با آن روبرو بودند، کرده، می گوید: ای کسانیکه ایمان آورده اید، خداوند شما را با چیزی از شکار می آزماید، شکارهایی که بقدری به شما نزدیک می شوند که حتی با نیزه و دست می توانید آنها را شکار کنید (یا ایها الذین آمنوا لیبلونکم الله بشی من الصید تناله ایدیکم و رماحکم)

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۱

از تعبیر آیه چنین استفاده می شود که می خواسته به عنوان یک پیش بینی مردم را از جریانی که در پیش داشتند آگاه سازد، و نیز معلوم می شود که وجود این همه شکار در دسترس مردم آنجا یک امر بی سابقه بوده است، و این یک نوع آزمایش الهی برای مسلمانان محسوب می شده، مخصوصا با توجه به نیازی که آنها به تهیه غذا از گوشت حیوانات داشته اند، و با توجه به اینکه این حیوانات به شکل وسوسه انگیزی در اطراف خیمه ها و در گرداگرد آنها رفت و آمد داشته اند، تحمل محرومیت از چنین غذای آماده آنهم در آن عصر و زمان و برای آن مردم می توانست یک آزمایش بزرگ بوده باشد.

بعضی گفته اند منظور از این جمله: که با دست شما قابل صید خواهند بود، این است که با دام و تور می توانستند آنها را بگیرند، ولی ظاهر آیه این است که

حقیقتاً ممکن بوده آنها را با خود دست شکار کنند.  
سپس به عنوان تاکید می‌فرماید: این جریان برای آن بوده است که افرادی که از خدا با ایمان به غیب می‌ترسند، از دیگران شناخته شوند. (لیعلم الله من یخافه بالغیب)

همانطور که در جلد اول صفحه ۳۵۶ ذیل آیه ۱۴۳ سوره بقره گفتیم، منظور از تعبیر به لنعلم (تا بدانیم) یا لیعلم (تا خدا بداند) و امثال آن، این نیست که خداوند چیزی را نمی‌داند، و می‌خواهد بوسیله آزمایش و امتحان و امثال آن بداند، بلکه منظور این است که می‌خواهیم به واقعیت علمی خود جامه عمل و تحقق خارجی ببوشانیم، زیرانیت‌های درونی و آمادگی‌های اشخاص به تنهائی کافی برای تکامل و پاداش و کیفر نیست، بلکه باید به صورت افعال خارجی پیاده شوند تا این آثار را داشته باشد، (برای توضیح بیشتر به ذیل همان آیه مراجعه فرمائید).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۲

و در پایان آیه کسانی را که با این حکم الهی مخالفت ورزند، تهدید به عذاب دردناک کرده است. (فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم).  
گرچه جمله اخیر از آیه اجمالاً دلالت بر تحریم صید در حال احرام دارد، ولی در آیه بعد با صراحت و قاطعیت بیشتر و بطور عموم فرمان تحریم صید را در حال احرام صادر کرده، می‌گوید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال احرام شکار نکنید (یا ایها الذین آمنوا لا تقتلوا الصيد وانتم حرم).  
آیا تحریم صید (که به قرینه آیه بعد شکار صحرائی است) تمام انواع حیوانات صحرائی را شامل می‌شود اعم از حلال گوشت و حرام گوشت یا اختصاص به حلال گوشت دارد؟

در میان مفسران و فقها در این زمینه اتفاق نظر نیست، ولی مشهور در میان فقهاء و مفسرین امامیه عمومیت حکم است، و روایاتی که از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) وارد شده است این مطلب را تأیید می‌کند، و اما فقهای اهل تسنن بعضی مانند ابوحنیفه با ما در این زمینه موافقند، ولی بعضی دیگر مانند شافعی آنرا مخصوص حیوانات حلال گوشت دانسته‌اند، اما در هر حال حیوانات اهلی را شامل نمی‌شود، زیرا به حیوانات اهلی صید و شکار گفته نمی‌شود. قابل توجه اینکه در روایات ما نه تنها صید کردن در حال احرام تحریم شده، بلکه حتی کمک کردن و اشاره کردن و نشان دادن صید در حال احرام

تحریم گردیده است.

ممکن است بعضی تصور کنند که صید و شکار شامل حیوانات حرام گوشت نمی شود، در حالیکه چنین نیست، زیرا شکار حیوانات به منظورهای مختلف انجام می گردد، گاهی به منظور استفاده از گوشت و گاهی پوست و گاهی برای رفع مزاحمت آنها انجام می گردد، شعر معروفی که از علی (علیه السلام) نقل شده است، نیز می تواند شاهی برای تعمیم باشد، آنجا که فرمود:

**و اذا رکت فصیدی الابطال!**

**صید الملوک ارانب و ثعالب**

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۳

شکار سلاطین خرگوش و روباه است ولی شکار من به هنگامی که وارد میدان نبرد می شوم، قهرمانانند! (برای توضیح بیشتر در زمینه اقسام واحکام صیدهای حرام در حال احرام به کتب فقهی مراجعه شود).

سپس به کفاره صید در حال احرام اشاره کرده، می گوید: کسی که عمداصیدی را به قتل برساند، باید کفاره ای همانند آن از چهار پایان بدهد (یعنی آن را قربانی کرده و گوشت آن را به مستمندان بدهد). (و من قتله منکم متعمدا فجاء مثل ما قتل من النعم).

در اینجا منظور از مثل آیا همانندی در شکل و اندازه حیوان است، به این معنی که مثلاً اگر کسی حیوان وحشی بزرگی را همانند شتر مرغ صید کند، باید کفاره آنرا شتر انتخاب نماید، و یا اگر آهو صید کند، برای کفاره، گوسفند که تقریباً به اندازه آن است، قربانی نماید، و یا اینکه منظور از (مثل) همانندی در قیمت است؟

مشهور و معروف میان فقهاء و مفسران، همان معنی اول است، و ظاهر آیه نیز با آن سازگارتر می باشد، چه اینکه با توجه به تعمیم حکم نسبت به حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت بسیاری از این حیوانات، قیمت ثابت و مشخصی ندارند، که بتوان همانند آنرا از حیوانات اهلی انتخاب کرد.

و در هر حال این در صورتی است که همانندی از نظر شکل و اندازه برای آن پیدا بشود، و در غیر این صورت چاره ای جز این نیست که به نوعی تعیین قیمت برای آن شکار نموده، و همانند آنرا از نظر قیمت از حیوانات اهلی حلال گوشت انتخاب کنند.

و از آنجا که ممکن است مساله همانندی برای بعضی مورد شک و تردید واقع

شود، قرآن در این زمینه دستور داده است که باید این موضوع زیر نظر دو نفر از افراد مطلع و عادل انجام پذیرد (یحکم به ذوا عدل منکم).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۴

و درباره اینکه این کفاره در کجا باید ذبح شود، دستور می دهد که به صورت قربانی و هدی اهداء به کعبه شود و به سرزمین کعبه برسد (هدیابالغ الکعبه). ضمناً باید توجه داشت که مشهور میان فقهای ما این است که باید کفاره صید حال احرام عمره در مکه ذبح شود و صید حال احرام حج در منی و قربانگاه، و این با آیه فوق منافات ندارد، زیرا همانطور که گفتیم آیه در مورد احرام عمره نازل شده است.

سپس اضافه می کند که لازم نیست حتماً کفاره به صورت قربانی باشد، بلکه دو چیز دیگر نیز هر یک می توانند جانشین آن شوند، نخست اینکه معادل پول آن را در راه اطعام مساکین مصرف کند (او کفارة طعام مساکین). و یا معادل آن روزه بگیرد (او عدل ذلک صیاما).

گرچه در آیه سخنی از تعداد مساکین که باید اطعام شوند و تعداد روزهای روزه به میان نیامده است، ولی قرار گرفتن اینها در کنار یکدیگر از یکسو، و تصریح به لزوم موازنه میان روزه از سوی دیگر، نشان می دهد که منظور آن نیست که هر چند نفر مسکین را می خواهد اطعام کند، بلکه منظور آن است به مقدار قیامت قربانی باید بوده باشد، و اما اینکه معادله میان روزه و اطعام مسکین چگونه برقرار می شود از بعضی از روایات استفاده می شود که در مقابل هر یک مد طعام (یعنی تقریباً معادل ۷۵۰ گرم گندم و مانند آن) یک روز روزه بگیرد، و از پاره ای دیگر از روایات استفاده می شود در مقابل هر دو مد یک روز روزه بگیرد، و این در حقیقت به خاطر آن است که در ماه مبارک رمضان اشخاصی که قادر بر روزه نیستند بجای هر روز یک یا دو مد طعام به مستمندان می دهند (توضیح بیشتر درباره این موضوع را در کتب فقهی مطالعه فرمائید).

درباره اینکه آیا شخصی که مرتکب صید در حال احرام شده مخیر در میان

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۵

این سه چیز است یا باید ترتیب را در آن رعایت کند، نخست قربانی نماید و اگر نتوانست، اطعام مسکین، و اگر آن هم میسر نشد روزه بگیرد، در میان

مفسران و فقهاء گفتگو است، اما ظاهر آیه تخییر است. این کفارات به خاطر آن است که کیفر کار خلاف خود را ببیند (لیذوق وبال امره).

اما از آنجائی که هیچ حکمی معمولاً شامل گذشته نمی‌شود، تصریح می‌کند که خدا از تخلفاتی که در این زمینه در گذشته انجام داده‌اید، عفو فرموده است (عفی الله عما سلف).

و هر گاه کسی به این اخطارهای مکرر و حکم کفاره اعتنا نکند و باز هم مرتکب صید در حال احرام شود، خداوند از چنین کسی انتقام خواهد گرفت و خداوند توانا است، و به موقع انتقام می‌گیرد (و من عاد فینتقم الله منه و الله عزیز ذو انتقام).

در میان مفسران گفتگو است که آیا کفاره صید با تکرار آن تکرار می‌شود یا نه؟ ظاهر آیه این است که در صورت تکرار تنها تهدید به انتقام الهی شده و اگر کفاره نیز تکرار می‌شد می‌بایست تنها به ذکر انتقام الهی قناعت نشود و تکرار کفاره نیز تصریح گردد، در روایاتی که از طریق اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده این موضوع آمده است.

در آیه بعد پیرامون صیدهای دریا سخن به میان آورده، می‌گوید: صید دریا و طعام آن برای شما (در حال احرام) حلال است (احل لکم صید البحر و طعامه).

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۶

در این‌که منظور از طعام چیست؟ بعضی از مفسران احتمال داده‌اند که مراد ماهیانی است که بدون صید می‌میرند و بروی آب می‌مانند، در حالی که میدانیم این سخن درست نیست، زیرا ماهی مرده خوردنش حرام است، اگر چه در بعضی از روایات اهل تسنن تصریح به حلیت آن شده است.

آنچه بیشتر از ظاهر آیه استفاده می‌شود این است که منظور از طعام همان خوراکی است که از ماهیان صید شده ترتیب داده شود، زیرا آیه می‌خواهد دو چیز را مجاز کند نخست صید کردن و دیگر غذای صید شده خوردن.

ضمناً از مفهوم این تعبیر فتوای معروفی که در میان فقهای ما وجود دارد، نیز اجمالاً استفاده می‌شود که در مورد حیوانات صحرائی نه تنها اقدام به صید کردن حرام است بلکه خوردن گوشت حیوانات صید شده نیز مجاز نیست.

سپس به فلسفه این حکم اشاره کرده می‌گوید: این بخاطر این است که شما و مسافران بتوانید بهره ببرید (متاعاً لکم و للسیارة).

یعنی بخاطر اینکه در حال احرام برای تغذیه به زحمت نیفتید و بتوانید از یکنوع صید بهره‌مند شوید، این اجازه در مورد صید دریا به شما داده شده است. و از آنجا که معمولاً مسافران اگر بخواهند ماهی صید شده را با خود ببرند آن را با نمک آمیخته و به صورت ماهی شور در می‌آورند، بعضی از مفسران جمله فوق را به اینگونه تفسیر کرده‌اند که افراد مقیم می‌توانند از ماهی تازه و مسافران از ماهی شور استفاده کنند.

اشتباه نشود اینکه در آیه فوق می‌خوانیم صید دریا برای شما حلال شده مفهومش یک حکم کلی و عمومی درباره صیدهای دریا نیست، آنچنانکه بعضی پنداشته‌اند، زیرا آیه نمی‌خواهد اصل حکم صیدهای دریا را بیان کند، بلکه هدف آیه این است که به محرم اجازه دهد صیدهای دریا که قبل از احرام برای او حلال بوده در حال احرام از آن استفاده کند، و به تعبیر دیگر آیه اصل تشریع

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۷

قانون را بیان نمی‌کند، بلکه ناظر به خصوصیات قانونی است که قبل از تشریع شده است، و به اصطلاح در مقام بیان از نظر عمومیت حکم نیست، بلکه فقط احکام محرم را بیان می‌کند.

ولی بار دیگر به عنوان تاکید به حکم سابق بازگشته، می‌گوید: مادام که در حال احرام هستید صیدهای صحرایی بر شما حرام است (و حرم علیکم صید البر ما دمتم حرما).

و در پایان آیه برای تاکید تمام احکامی که ذکر شد می‌فرماید: از خداوندی که در قیامت در پیشگاه او محشور خواهید شد بپرهیزید و با فرمان او مخالفت ننمائید (و اتقوا الله الذی الیه تحشرون).

فلسفه تحریم صید در حال احرام میدانیم حج و عمره از عباداتی است که انسان را از جهان ماده جدا کرده و در محیطی مملو از معنویت فرو میبرد.

تعیینات زندگی مادی، جنگ و جدالها، خصومتها، هوسهای جنسی، لذات مادی، در مراسم حج و عمره به کلی کنار میروند و انسان به یکنوع ریاضت مشروع الهی دست میزند، و به نظر میرسد که تحریم صید در حال احرام نیز به همین منظور است.

از این گذشته اگر صید کردن برای زوار خانه خدا کار مشروعی بود، با توجه به اینهمه رفت و آمدی که هر سال در این سرزمینهای مقدس میشود، نسل



بسیاری از حیوانات در آن منطقه که به حکم خشکی و کم‌آبی، حیواناتش نیز کم است، بر چیده میشد، و این دستور یکنوع حفاظت و ضمانت برای بقای نسل حیوانات آن منطقه است.

مخصوصاً با توجه به اینکه در غیر حال احرام نیز صید حرم، و همچنین کندن درختان و گیاهان آن ممنوع است، روشن می‌شود که این دستورات تباط نزدیکی

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۸

با مساله حفظ محیط زیست و نگهداری گیاهان و حیوانات آن منطقه از فنا و نابودی دارد.

این حکم بقدری دقیق تشریع شده که نه تنها صید حیوانات، بلکه کمک کردن حتی نشان دادن و ارائه صید به صیاد نیز تحریم گردیده چنانکه در روایات وارده از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌خوانیم که امام صادق (علیه‌السلام) به یکی از یارانش فرمود: لا تستحلن شیئا من الصيد وانت حرام و لا وانت حلال فی الحرم و لا تدلن علیه محلا و لا محرما فی صطاده و لا تشر الیه فیستحل من اجلک فان فیه فداء لمن تعمده:

«هرگز چیزی از صید را در حال احرام حلال مشمر، و همچنین صید حرم را در غیر حال احرام، و نیز صید را به شخص محرم و غیر محرم نشان مده که آن را شکار کند و حتی اشاره به آن مکن (و دستور مده) تا به خاطر تو صید را حلال بشمرد زیرا این کار موجب کفاره برای شخص متعمد می‌شود.»

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۸۹

آیه ۹۷ - ۹۹

آیه و ترجمه

جعل الله الکعبة البیت الحرام قیما للناس و الشهر الحرام و الهدی والقلند ذلک لتعلموا ان الله یعلم ما فی السموت و ما فی الارض و ان الله بکل شیء علیم ۹۷

اعلموا ان الله شدید العقاب و ان الله غفور رحیم ۹۸

ما علی الرسول الا البلغ و الله یعلم ما تبذون و ما تکتمون ۹۹

ترجمه:

۹۷ - خداوند، کعبه، بیت الحرام، را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده و همچنین ماه حرام و قربانیهای بینشان و قربانیهای نشاندار، اینگونه



احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است میداند و خداوند به هر چیزی دانا است.

۹۸ - بدانید خدا دارای مجازات شدید و (در عین حال) آمرزنده و مهربان است.

۹۹ - پیامبر وظیفه‌ای جز ابلاغ رسالت (و دستورهای الهی) ندارد (و مسئول اعمال شما نیست) و خدا میداند چه چیزها را آشکار، و چه چیزها را پنهان میدارید.

### تفسیر:

در تعقیب آیات گذشته که در زمینه تحریم صید در حال احرام، بحث میکرد، در این آیه به اهمیت مکه و اثر آن در سازمان زندگی اجتماعی مسلمانها اشاره کرده، نخست می‌فرماید: خداوند کعبه، بیت الحرام را وسیله‌ای برای اقامه امر مردم قرار داده است (جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاما

---

### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۰

این خانه مقدس رمز وحدت مردم و مرکزی برای اجتماع دلها، و کنگره عظیم برای استحکام پیوندهای گوناگون میباشد، و در پرتو این خانه مقدس و مرکزیت و معنویت آن که از ریشه‌های عمیق تاریخی مایه‌میگیرد میتوانند بسیاری از نابسامانیهای خود را سامان بخشند و کاخ سعادت خود را بر پایه آن استوار سازند، و لذا در سوره آل عمران، خانه کعبه را نخستین خانه‌ای که به سود مردم ساخته شده معرفی مینماید.

حقیقت این است که با توجه به وسعت معنی قیاما للناس مسلمانان میتوانند در پناه این خانه و دستور سازنده حج، همه کار خود را سامان بخشند.

و از آنجا که این مراسم باید در محیطی امن و امان از جنگ و کشمکش و نزاع صورت گیرد اشاره به اثر ماههای حرام (ماههایی که جنگ مطلقاً در آن ممنوع است) در این موضوع کرده، می‌فرماید: (و الشهر الحرام).

و نیز نظر به اینکه وجود قربانیهای بینشان (هدی) و قربانیهای نشاندار (قلائد) که تغذیه مردم را در ایامی که اشتغال به مراسم حج و عمره دارند تامین کرده و فکر آنها را از این جهت آسوده میکند، تأثیری در تکمیل این برنامه دارد به آنها نیز اشاره کرده، می‌گوید (و الهدی والقلائد).

و از آنجا که مجموع این برنامه‌ها و قوانین و مقررات حساب شده درباره صید و همچنین حرم مکه و ماه حرام و غیر اینها حکایت از عمق تدبیر و وسعت علم چنین قانونگذاری می‌کند، در پایان آیه چنین می‌گوید: «خداوند این

برنامه‌های منظم را به خاطر این قرار داد تا بدانید علم اوبه اندازه‌های وسیع است که آنچه در آسمانها و زمین است میداند و از همه چیز - مخصوصا نیازمندیهای روحی و جسمی بندگان - با خبر است» (ذلک لتعلموا ان الله يعلم ما فی السماوات و ما فی

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۱

الارض و ان الله بكل شیء علیم).  
با توجه به آنچه در بالا گفتیم، پیوند آغاز و انجام آیه روشن میشود، زیرا این دستورات عمیق تشریعی را کسی میتواند، تنظیم کند که از عمق قوانین تکوینی آگاه و با خبر باشد، تا کسی از تمام جزئیات زمین و آسمان و آنچه به حکم آفرینش در روح و جسم انسان قرار دارد آگاه نباشد نمیتواند چنین احکامی را پیش بینی کند، زیرا قانونی صحیح و سازنده است که هماهنگ با قانون خلقت و فطرت باشد.

سپس در آیه بعد برای تاکید دستورات گذشته و تشویق مردم به انجام آنها و تهدید مخالفان و معصیت کاران می‌فرماید: بدانید خدا شدید العقاب و نیز غفور و رحیم است (اعلموا ان الله شدید العقاب و ان الله غفور رحیم).  
و اینسکه می‌بینیم در آیه فوق، شدید العقاب بر غفور رحیم مقدم داشته شده شاید اشاره به این است که مجازات خداوند را با تمام شدتی که دارد میتوان با آب توبه شست و مشمول مغفرت و رحمت خدا گشت.  
و باز برای تاکید بیشتر می‌گوید: مسئول اعمال شما خودتان هستید و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسئولیتی جز ابلاغ رسالت و رساندن دستورات خدا ندارد (و ما علی الرسول الا البلاغ).  
و در عین حال خداوند از نیات شما، و از کارهای آشکار و پنهانی همگی آگاه و با خبر است (و الله يعلم ما تبون و ما تکتمون).  
اهمیت کعبه

کعبه که در این آیات و آیات گذشته دو بار ذکر شده در اصل از ماده کعبه به معنی برآمدگی پشت پا است، سپس به هر نوع بلندی و برآمدگی اطلاق شده. و اگر به مکعب نیز مکعب گفته می‌شود به خاطر آن است که از چهار طرف دارای برآمدگی است و اینکه به زنانی که تازه سینه آنها برجستگی

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۲

پیدا کرده کاعب (جمع آن کواعب) گفته می‌شود نیز به همین جهت است. بهر حال این کلمه (کعبه) هم اشاره به بلندی ظاهری خانه خدا است و هم رمزی از عظمت و بلندی مقام آن میباشد. کعبه تاریخچه بسیار طولانی و پر حادثه‌ای دارد و در هر حال تمام این حوادث از عظمت و اهمیت آن سرچشمه میگیرد. اهمیت کعبه به اندازه‌ای است که ویران کردن آن در روایات اسلامی در ردیف قتل پیامبر و امام قرار گرفته، نگاه کردن به آن، عبادت، و طواف گرد آن از بهترین اعمال است، حتی در روایتی از امام باقر (علیه السلام) میخوانیم که فرمود: لا ینبغی لاحد ان یرفع بنائه فوق الکعبه: شایسته نیست کسی خانه خود را برتر از کعبه بسازد. ولی باید توجه داشت که اهمیت و احترام کعبه هرگز به خاطر ساختمان آن نیست، زیرا به گفته امیر مومنان علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در خطبه قاصعه خداوند خانه خود را در یکی از سرزمینهای خشک و سوزان و میان کوههای خشن قرار داده است و دستور داده از مصالح بسیار ساده‌ای آن را بنا کنند، از سنگهای عادی و معمولی ولی از آنجا که خانه کعبه قدیمی‌ترین و پرسابقه‌ترین مرکز توحید و پرستش خدا است و نقطه تمرکزی برای توجه ملتها و اقوام مختلف است، اینهمه اهمیت در پیشگاه خدا یافته است.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۳

آیه ۱۰۰

آیه و ترجمه

قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثرة الخبیث فاتقوا الله یا ولی الالب لعلکم تفلحون

ترجمه :

۱۰۰ - بگو (هیچگاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند اگر چه کثرت ناپاکهاتو را به شگفتی بیندازد، از (مخالفت) خدا بپرهیزد ای صاحبان خرد، تا رستگار شوید.

تفسیر:

اکثریت دلیل پاکی نیست

در آیات گذشته سخن از تحریم مشروبات الکلی و قمار و انصاب و ازلام و صید کردن در حال احرام بود، از آنجا که بعضی از افراد ممکن است برای ارتکاب اینگونه گناهان عمل اکثریت را در پاره‌ای از محیط‌ها دستاویز قرار

دهند و به بهانه اینکه مثلاً اکثریت مردم فلان شهر شراب می‌نوشند و یا آلوده قمارند، و یا اینکه اکثریت مردم در فلان شرائط به تحریم صید و مانند آن اعتنا نمی‌کنند، از انجام این دستورها سر باز زنند و آنها را به دست فراموشی بسپارند، برای اینکه این بهانه در این مورد و در تمام موارد از اینگونه افراد به کلی گرفته شود خداوند یک قاعده کلی و اساسی را در یک عبارت کوتاه بیان کرده، می‌فرماید: بگو ای پیامبر! هیچگاه ناپاک و پاک یکسان نخواهد بود، اگر چه فزونی ناپاک و کثرت آلوده‌ها ترا به شگفتی فرو برد! (قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثرة الخبیث)

بنابر این خبیث و طیب در آیه فوق به معنی هر گونه موجود ناپاک و پاک است اعم از غذاهای پاک و ناپاک، افکار پاک و ناپاک است

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۴

و در پایان آیه اندیشمندان و صاحبان عقل و هوش را مخاطب ساخته و تاکید می‌کند که از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید. (فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون).

اما اینکه در آیه ظاهراً توضیح واضحی بیان شده از این نظر است که ممکن است، کسی خیال کند عوارضی از قبیل فزونی طرفداران پلیدی و به اصطلاح اکثریت باعث آن شود، که چیز ناپاک در ردیف پاک قرار گیرد، چنانکه ملاحظه کرده‌اید، گاهی بعضی از مردم تحت تاثیر انبوه جمعیت و تمایلات اکثریت قرار گرفته و تصور می‌کنند، اگر اکثریت بهر مطلبی تمایل پیدا کرد، این نشانه قطعی و بدون چون و چرای درستی آن مطلب است، در حالی که چنین نیست و مواردی که اکثریت اجتماعات گرفتار اشتباهات روشن شده‌اند بسیار زیاد است، در واقع آنچه برای شناسائی خوب از بد (خبیث از طیب) لازم است اکثریت کیفی است نه اکثریت کمی، یعنی افکار قویتر و والاتر و عالیت و اندیشه‌های تواناتر و پاکتر لازم است نه کثرت نفرات طرفدار.

این مساله شاید با مذاق بعضی از مردم امروز سازگار نباشد که بر اثر تلقینات و تبلیغاتی کوشش شده، همیشه تمایلات اکثریت را به عنوان یک مقیاس سنجش نیک از بد بخورد آنها بدهند، تا آنجا که باور کرده‌اند، حق یعنی چیزی که اکثریت بپسندد، و خوب چیزی است که اکثریت به آن مایل باشد در حالی که چنین نیست.

و بسیاری از گرفتاریهای مردم دنیا بر اثر همین طرز تفکر است.

آری اگر اکثریت از رهبری صحیح و تعلیمات درستی بهره‌مند گردد و به اصطلاح یک اکثریت بتمام معنی رشید شود، آنگاه ممکن است تمایلات او مقیاسی برای سنجش خوب و بد باشد، نه اکثریتهای رهبری نشده و غیر رشید. در هر حال قرآن در آیه مورد بحث، اشاره‌ای به این واقعیت کرده و می‌فرماید:

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۵

هرگز زیادی بدان و ناپاکان شما را بشگفتی در نیاورد و در موارد دیگر بیش از ده بار فرموده: و لکن اکثر الناس لا یعلمون: کار اکثر مردم از روی علم و دانش نیست!.

ضمناً باید توجه داشت که اگر در آیه کلمه خبیث بر طیب مقدم داشته شده است به خاطر آن است که در آیه مورد بحث روی سخن با کسانی است که فزونی خبیث را دلیل بر اهمیت آن می‌گیرند و باید به آنها پاسخ گفته شود، و به آنها گوشزد میکند، که ملاک خوبی و بدی در هیچ مورد کثرت و قلت و اکثریت و اقلیت نیست، بلکه در همه جا و همه وقت پاکی بهتر از ناپاکی است، و صاحبان عقل و اندیشه هیچگاه فریب کثرت رانمی‌خورند، همواره از پلیدی دوری می‌کنند، اگر چه تمام افراد محیطشان آلوده باشند، و به سراغ پاکیها میروند اگر چه تمام افراد محیط با آن مخالفت ورزند.

آیه ۱۰۱ - ۱۰۲

آیه و ترجمه

یایها الذین امنوا لا تسلوا عن اشیاء ان تبد لکم تسوکم و ان تسلوا عنہا حین ینزل القرآن تبد لکم عفا الله عنہا و الله غفور حلیم ۱۰۱  
قد سالها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین ۱۰۲  
ترجمه:

۱۰۱ - ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مسائلی سوال نکنید که اگر برای شما آشکار گردد شما را ناراحت می‌کند، و اگر به هنگام نزول قرآن از آنها سوال کنید برای شما آشکار میشود، خداوند آنها را بخشیده (و از آن صرف نظر کرده) است و خداوند آمرزنده و حلیم است.

۱۰۲ - جمعی از پیشینیان از آنها سوال کردند و سپس به مخالفت با آن برخاستند، (ممکن است شما هم چنان سرنوشتی پیدا کنید).

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۶

## شان نزول:

در شان نزول آیات فوق در منابع حدیث و تفسیر اقوال مختلفی دیده میشود، ولی آنچه با آیات فوق و تعبیرات آن سازگارتر است شان نزولی است که در تفسیر مجمع البیان از علی بن ابیطالب (علیه السلام) نقل شده است که روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خطبه‌ای خواند و دستور خدا را درباره حج بیان کرد شخصی بنام عکاشه - و بروایتی سراقه - گفت آیا این دستور برای هر سال است، و همه سال باید حج بجایآوریم؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به سوال او پاسخ نگفت، ولی او لجاجت کرد، و دو بار، و یا سه بار، سوال خود را تکرار نمود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وای بر تو چرا اینهمه اصرار میکنی اگر در جواب تو بگویم بلی، حج در همه سال بر همه شما واجب میشود و اگر در همه سال واجب باشد توانائی انجام آن را نخواهید داشت و اگر با آن مخالفت کنید گناهکار خواهید بود، بنابراین مادام که چیزی به شما نگفتم روی آن اصرار نورزید زیرا (یکی از) اموری که باعث هلاکت (بعضی از) اقوام گذشته شد این بود که لجاجت و پرحرفی می کردند و از پیامبرشان زیاد سوال می نمودند، بنابراین هنگامی که به شما دستوری میدهم به اندازه توانائی خود آنرا انجام دهید (اذا امرتکم من شیء فاتوا منه ما استطعتم) و هنگامی که شما را از چیزی نهی می کنم خودداری کنید آیات فوق نازل شد و آنها را از این کار باز داشت. اشتباه نشود منظور از این شان نزول - همانطور که در تفسیر آیه خواهیم گفت - این نیست که راه سؤال و پرسش و فراگیری مطالب را بروی مردم ببندد زیرا

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۷

قرآن در آیات خود صریحا دستور می دهد که مردم آنچه را نمیدانند از اهل اطلاع بپرسند «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون»، بلکه منظور سوالهای نابجا و بهانه گیریها و لجاجتهائی است که غالباً سبب مشوب شدن اذهان مردم، و موجب مزاحمت گوینده، و پراکندگی رشته سخن و برنامه او میگردد.

## تفسیر

سؤالات بیجا!

شک نیست که سوال کردن کلید فهم حقائق است، و به همین دلیل کسانی که

کمتر می‌پرسند کمتر می‌دانند، و در آیات و روایات اسلامی نیز به مسلمانان دستور اکید داده شده است که هر چه را نمی‌دانند بپرسند، ولی از آنجا که هر قانونی معمولاً استثنائی دارد، این اصل اساسی تعلیم و تربیت نیز استثنائی دارد و آن اینست که گاهی پاره‌ای از مسائل پنهان بودنش برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد بهتر است در اینگونه موارد جستجوها و پرسشهای پی در پی، برای پرده برداشتن، از روی واقعیت، نه تنها فضیلتی نیست بلکه مذموم و ناپسند نیز می‌باشد، مثلاً غالب پزشکان صلاح این می‌دانند که بیماریهای سخت و وحشتناک را از شخص بیمار مکتوم دارند، گاهی تنها اطرافیان را در جریان می‌گذارند، با این قید که از بیمار پنهان دارند، زیرا تجربه نشان داده، بیشتر مردم اگر از عمق بیماری خود آگاه شوند گرفتار وحشتی می‌گردند که اگر کشنده نباشد لااقل بهبودی را به تأخیر می‌اندازد. در اینگونه موارد بیمار هرگز نباید در برابر طبیب دلسوز خود به سوال و اصرار بپردازد. زیرا اصرارهای مکرر او گاهی چنان میدان را بر طبیب تنگ

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۸

می‌کند که برای آسودگی خود و رسیدگی به سایر بیماران جز این نمی‌بیند که حقیقت را برای این بیمار لجوج آشکار سازد اگر چه او از این رهگذر زیانهای ببیند. همچنین مردم در همکاریهای خود نیاز به خوشبینی دارند و برای حفظ این سرمایه بزرگ صلاح این است که از تمام جزئیات حال یکدیگر باخبر نباشند، زیرا بالاخره هر کس نقطه ضعفی دارد، و فاش شدن تمام نقطه‌های ضعف، همکاریهای افراد را مواجه با اشکال میکند، مثلاً ممکن است یک فرد با شخصیت و موثر تصادفاً در یک خانواده پست و پوائین متولد شده باشد، اکنون اگر سابقه او فاش شود، ممکن است آثار وجودی او در جامعه متزلزل گردد در این گونه موارد به هیچوجه نباید افراد، اصراری داشته باشند و به جستجو برخیزند. و یا اینکه بسیاری از نقشه‌ها و طرحهای مبارزات اجتماعی باید تاهنگام عمل مکتوم باشد و اصرار در افشای آنها ضربهای بر موفقیت و پیروزی اجتماع است. اینها و امثال آن مواردی است که سؤال کردن در آن صحیح نیست و رهبران تا در فشار زیاد قرار نگیرند، نباید آنها را پاسخ گویند. قرآن در آیه فوق به این موضوع اشاره کرده، صریحاً می‌گوید: ای کسانی که



ایمان آورده‌اید از اموری که افشای آنها باعث ناراحتی و دردسر شما میشود پرسش نکنید (یا ایها الذین آمنوا لا تسالوا عن اشیاء ان تبد لکم تسوکم). ولی از آنجا که سؤالات پی در پی از ناحیه افراد و پاسخ نگفتن به آنها ممکن است موجب شک و تردید برای دیگران گردد و مفسد بیشتری به بار آورد اضافه می‌کند اگر در اینگونه موارد زیاد اصرار کنید بوسیله آیات قرآن بر شما افشاء می‌شود و به زحمت خواهید افتاد (و ان تسالوا عنها حين ينزل القرآن

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۹۹

تبدلکم).

و اینک افشا کردن اینها را به زمان نزول قرآن اختصاص می‌دهد به خاطر آن است که سؤالات مربوط به مسائلی بوده که می‌بایست از طریق وحی روشن گردد.

سپس اضافه میکند: تصور نکنید اگر خداوند از بیان پاره‌ای از مسائل سکوت کرده است از آن غفلت داشته بلکه می‌خواسته است شما را در توسعه قرار دهد و آنها را بخشوده است، و خداوند بخشنده حلیم است (عفا الله عنها و الله غفور حلیم).

در حدیثی از علی (علیه السلام) می‌خوانیم: (ان الله افترض علیکم فرائض فلا تضیعوها و حد لکم حدودا فلا تعتدوها و نهی عن اشیاء فلا تنتهکوها و سکت لکم عن اشیاء و لم یدعها نسیانا فلا تتکلفوها: خداوند واجباتی برای شما قرار داده آنها را ضایع نکنید، و حدود و مرزهایی تعیین کرده از آنها تجاوز ننمائید و از اموری نهی کرده در برابر آنها پرده‌ری نکنید، و از اموری ساکت شده و صلاح در کتمان آن دیده و هیچگاه این کتمان از روی نسیان نبوده، در برابر اینگونه امور، اصراری در افشاء نداشته باشید.

سؤال:

ممکن است گفته شود اگر افشای این امور بر خلاف مصلحت مردم است چرا با اصرار افشا میشود؟

پاسخ:

دلیل آن همان است که در بالا اشاره کردیم که گاهی اگر رهبر در مقابل

---

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۰۰

سؤالات پی در پی و مصرانه سکوت کند، مفسد دیگری ببار

می‌آورد، سوظنهایی بر میانگیزد و باعث مشوب شدن اذهان مردم می‌شود، همانطور که اگر طبیب در برابر سؤالات پی در پی مریض، سکوت اختیار کند گاهی ممکن است بیمار را، در اصل تشخیص بیماری بوسیله طبیب، به تردید اندازد، و تصور کند که اصولا بیماری او ناشناخته مانده و دستورات او را به کار نبندد، در اینجا طبیب چاره‌ای جز از افشای بیماری ندارد، اگر چه بیمار از این رهگذر دردسرهایی پیدا کند. در آیه بعد برای تاکید این مطلب می‌گوید: بعضی از اقوام پیشین، این گونه سؤالات را داشتند و به دنبال پاسخ آنها به مخالفت و عصیان برخاستند (قد سالها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کافرین).

در اینکه این اشاره کلی درباره اقوام پیشین مربوط به کدامیک از آنهاست میان مفسران بحث است:

بعضی احتمال داده‌اند مربوط به درخواست مائده آسمانی از مسیح (علیه السلام) وسیله شاگردان بوده که بعد از تحقق یافتن آن بعضی به مخالفت برخاستند، و بعضی احتمال داده‌اند مربوط به تقاضای معجزه از حضرت صالح (علیه السلام) بوده است، ولی ظاهرا تمام این احتمالات اشتباه است، زیرا آیه درباره سؤال به معنی پرسش و کشف مجهول سخن می‌گوید، نه سؤال به معنی تقاضا و درخواست چیزی گویا استعمال کلمه سؤال در هر دو معنی باعث چنین اشتباهی شده است.

ولی ممکن است مراد، جمعیت بنی اسرائیل بوده باشد که چون مامور به ذبح گاوی برای تحقیق درباره جنایتی شدند (که شرح آن در جلد اول صفحه ۲۰۹ گذشت) موسی را سؤال پیچ کرده و از جزئیات گاو که هرگز دستور خاصی در مورد آن نداشتند پیدری پرسش کردند، به همین جهت کار را بر خود آن چنان سخت کردند که بدست آوردن چنان گاوی آنقدر مشکل و پرهزینه شد که نزدیک بود از آن صرف نظر کنند.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۱۰۱

در معنی جمله اصبحوا بها کافرین دو احتمال وجود دارد نخست اینکه مراد از کفر، عصیان و مخالفت بوده باشد همانطور که در بالا اشاره کردیم، و دیگر اینکه کفر به معنی معروف آن بوده باشد، زیرا گاهی شنیدن پاسخهای ناراحت کننده که بر ذهن شنونده سنگین آید، سبب می‌شود که به انکار اصل موضوع و صلاحیت گوینده بپاخیزد مثل اینکه گاهی شنیدن یک پاسخ ناراحت کننده

از ناحیه طبیب، سبب می شود که بیمار عکس العمل از خود نشان دهد و صلاحیت او را انکار کند و این تشخیص را فی المثل ناشی از پیری و خرفت شدن پزشک معرفی کنند در پایان این بحث تکرار نکته های را که در آغاز گفتیم لازم میدانیم که آیه های فوق به هیچوجه راه سؤالات منطقی و آموزنده و سازنده را به روی مردم نمی بندد، بلکه منحصرأ مربوط به سؤالات نابجا و جستجواز اموری است که نه تنها مورد نیاز نیست بلکه مکتوم ماندن آن بهتر و حتی گاهی لازم است.

بعد ←

↑ فرست

→ قبل